



تلخ‌کاری!

سقوط یک تراژدی با سوءاستفاده از استقبال تماشاچی

چرا «زخم کاری» به این نقطه رسید؟

دوشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۳ | ۷۱۴۶۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶ | ۹ دسامبر ۲۰۲۴ | سال هفدهم | شماره ۸۴ | صفحه ۵۰۰۰ | تومان

VATANEMROOZ.IR

روزنامه صبح ایران

وطن امروز

نظام مبادله سینمای ایران چگونه ذائقه مخاطب را شکل داده است

رد پول؛ اقتصاد سیاسی ابتذال

صفحه ۸



VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4200 | MON.DEC.09.2024 | ISSN:2008-2886

۱۶۰ سال و ۸۸ روز گذشت

پرونده شام

از دست دادن دستاورد ۱۰ ساله در ۱۰ روز

ماجرای هشدار رهبر انقلاب

چند احتمال درباره عملکرد گروه‌های تروریستی و سرنوشت شام

سناریوهای

پیش روی سوریه

وزارت امور خارجه با تأکید بر تعیین سرنوشت و آینده سوریه از سوی مردم این کشور؛ گفت‌وگوهای ملی آغاز شود

سوریه

به شرط مردم

گزینه‌های راهبردی رژیم صهیونیستی در قبال سوریه پس از سقوط اسد

بازی ترکیبی

صهیونیست‌ها

رژیم صهیونیستی در پی احیای طرح دوران قیومت فرانسه بر سوریه است

بازگشت به یک

نقشه تاریخی

صفحات ۲، ۵ و ۷

با سقوط حکومت بشار اسد و ورود گروه‌های تروریستی به دمشق آینده این کشور در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است

سوریه

در داکن تاریک



صفحه ۷

عکس: AFP

از دست دادن دستاورد ۱۰ ساله در ۱۰ روز

ماجرای هشدار رهبر انقلاب

دنباله‌های آنها در منطقه قصد داشتند با جنگی که علیه سوریه به راه انداختند، نظام سیاسی این کشور را ساقط و سوریه را از معادلات منطقه حذف کنند اما موفق نشدند و اینک نیز قصد دارند با شیوه‌های دیگر و از جمله وعده‌هایی که هیچگاه به آنها عمل نخواهند کرد، سوریه را از معادلات منطقه خارج کنند». به‌رغم این هشدار اما به نظر رفتار گرم کشورهای عربی در نشست اتحادیه عرب و اظهارات حمایتی از حاکمیت سوریه دل بشار اسد را به بقا بیش از آنچه واقعیت دارد خوش کرده بود، همین امر نیز باعث شد تا در زمان بحران ۱۰ روزه اخیر از ایران برای مقابله با شورشی‌ها درخواست کمک نکرده و میدان را واگذار کند.

سقوط دولت بشار اسد نتهتای نتیجه ضعف‌های داخلی و مدیریت ناکارآمد بود، بلکه تحت تأثیر بازیگران خارجی و تغییرات ژئوپلیتیکی منطقه قرار داشت. شاید بتوان گفت مهم‌ترین دلیل سقوط دولت بشار اسد، ائتلاف گسترده‌ای بود که میان بازیگران خارجی برای برکناری او شکل گرفت. از آمریکا و اسرائیل گرفته تا ترکیه و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، همگی منافع مشترکی در سقوط بشار اسد و تضعیف جبهه مقاومت داشتند. اسرائیل از دیرباز با نظام سوریه به عنوان یکی از ارکان محور مقاومت دشمنی داشت. در لحظات ابتدایی سقوط دولت، ورود تانک‌های اسرائیلی به خاک سوریه نشان داد که این رژیم آماده بهره‌برداری فوری از وضعیت بود. توهین به پرچم فلسطین توسط تروریست‌ها نیز نشانه‌ای از نقش مستقیم اسرائیل در این عملیات بود. از سوی دیگر، ترکیه، به عنوان یکی از اصلی‌ترین بازیگران منطقه‌ای، سیاست‌های تهاجمی خود را علیه بشار اسد شدت

تروریست‌ها و جشن‌های عمومی که در برخی مناطق به وقوع پیوست، نشان‌دهنده عمق این نارضایتی‌ها بود. مردم سوریه که از سال‌ها جنگ، بیکاری و فساد رنج می‌بردند، این فروپاشی را به‌عنوان فرصتی برای تغییر وضعیت موجود تلقی کردند.

نادیده گرفتن گروه‌های معارض

دولت بشار اسد، بویژه در سال‌های پایانی حاکمیت، نتوانست به‌درستی با تهدیدات ناشی از گروه‌های معارض برخورد کند. در حالی که برخی از این گروه‌ها سال‌ها بخش‌هایی از خاک سوریه را در تصرف داشتند، دولت اسد هیچ استراتژی مشخصی برای تعامل یا مقابله با آنها چه در حوزه دیپلماسی و چه در حوزه برخورد نظامی نداشت. طبعاً این وضعیت بلاکلیف، موقعیتی مطلوب برای پرورش و رشد توانمندی‌های انسانی و لجستیکی گروه‌های معارض سوری محسوب می‌شد. این گروه‌ها به حال خود رها شدند تا به‌تدریج قدرت بگیرند و در نهایت در سقوط دولت نقش آفرینی کنند. آشوب‌هایی که در روزهای پایانی دولت به وقوع پیوست، نتیجه مستقیم این عدم اقدام بود. اتحاد موقت میان گروه‌های معارض، هر چند از لحاظ اهداف استراتژیک متناقض به نظر می‌رسید، به آنها امکان داد که خاک سوریه را به سرعت تصرف کنند.

■ **عدم توجه به هشدارهای ایران و اتکا به وعده‌های برخی کشورهای منطقه**

یکی از اشتباهات استراتژیک دولت بشار اسد، فاصله گرفتن از متحدان سنتی خود بویژه ایران و اعتماد بیش از حد به وعده‌های کشورهای عربی بود. این مساله به طور خاص در دیدار خردادماه امسال بشار اسد با رهبر انقلاب برجسته شد. ایشان در این دیدار خطاب به رئیس‌جمهور سوریه هشدار دادند: «غربی‌ها

یادداشت
مصطفی نصری

روز گذشته، حکومت بشار اسد پس از سال‌ها درگیری داخلی و تنش‌های منطقه‌ای سقوط کرد و این حادثه تأثیرات عمیق و فوری بر ساختار سیاسی سوریه و منطقه خاورمیانه خواهد داشت. این سقوط نه‌تنها موجب استیلائی گروه‌های تروریست بر بخش‌های بزرگی از این کشور شد، بلکه شرایطی را ایجاد کرد که بازیگران خارجی از جمله اسرائیل به سرعت از شرایط سوءاستفاده کرده و با فرستادن تجهیزات نظامی دست به اشغال بخش‌هایی از خاک سوریه زدند اما در ورای این تبعات، بررسی دلایل فروپاشی حکومت بشار اسد ضروری است. ضعف در انجام اصلاحات داخلی، نادیده گرفتن تهدیدات داخلی ناشی از گروه‌های معارض، اعتماد بیش از حد به وعده‌های کشورهای منطقه درباره تضمین ثبات و حاکمیت سوریه و از همه مهم‌تر گره خوردن منافع ترکیه، اسرائیل و آمریکا در سوریه از جمله عوامل این فروپاشی بودند.

■ **نبود اصلاحات ساختاری، اقتصادی و زیرساختی**

یکی از عوامل کلیدی سقوط دولت بشار اسد، ناکامی در انجام اصلاحات ضروری بود که می‌توانست رضایت عمومی را جلب کند و نارضایتی‌های مردم را کاهش دهد. در طول سال‌های اخیر، وضعیت اقتصادی سوریه بدشدت تضعیف و زیرساخت‌های اساسی کشور در اثر جنگ، تحریم و سوءمدیریت تخریب شد. این شرایط، نه‌تنها موجب افزایش فشار اقتصادی بر مردم شد، بلکه باعث شد بخش قابل توجهی از شهروندان، آمیدی به بقای نظام نداشته باشند. هنگامی که دولت سقوط کرد، عدم مقاومت جدی ارتش در برابر

دیدگاه
دکتر رضا رحمتی

همه چشم‌ها به سمت سوریه است؛ کدام سوریه؟ سوریه‌ای که تا ۲ هفته پیش هیچ‌کس آماده چنین وضعیتی که اینک درگیر آن است، نبود. حتی مخالف‌ترین مخالفان بشار اسد نیز نمی‌توانستند محاسبات خود چنین وضعیتی را پیش‌بینی کنند. بعد از سقوط ۴۸ ساعته حلب و عقب‌نشینی ارتش سوریه از این شهر، مشخص بود سرعت تحولات به سمت اتفاق بزرگی در حال حرکت است. با سقوط حمه این شتاب بیشتر شد و با رسیدن معارضان به پشت درهای

رسانه «پیوست» واقعیت نیست؛ خود آن است!

درس‌های رسانه‌ای که باید از ماجرای سوریه گرفت

نگاه
علی کلکاذر فولی*

تحولات بین‌المللی با سرعت و عمق زیادی در حال رخ دادن هستند و جمهوری اسلامی ایران باید توانمندی‌اش را در شناخت، مدیریت یا حداقل تأثیرگذاری بر روندهای رسانه‌ای بین‌المللی مرتبط با خود تقویت کند؛ لازمه چنین رویکردی اما آن است که ابتدا به اهمیت و ضرورت آن آگاه باشد. در یک سال گذشته، تغییرات قابل توجهی در عرصه دیپلماسی عمومی، سیاست‌گذاری رسانه‌ای و نحوه انعکاس اخبار و اطلاعات بویژه در موضوعات حساس مشاهده شده که بخش قابل توجهی از آنها با امنیت ملی ایران نیز مرتبط بوده‌اند. این تحولات نیازمند واکنش‌های استراتژیک و هوشمندانه از سوی ایران است تا ضمن مقابله با تحریف‌ها و اخبار نادرست، بتواند علاوه بر افتاع فضای داخل، در فضای رسانه‌ای جهانی نیز به‌درستی و به‌موقع حضور داشته باشد. فارغ از اینکه در میدان چه رقم بخورد، هر وضعیتی اعم از مطلوب یا نامطلوب نیازمند روایت رسانه‌ای معتبر است و روایت رسانه‌ای معتبر، روایتی است که قابل اتکا باشد. ایران باید با یک رویکرد منسجم و آگاهانه در راستای تقویت دیپلماسی رسانه‌ای خود حرکت کند. این موضوع نه‌تنها برای حفاظت از منافع داخلی، بلکه برای مشارکت مؤثر در تصمیم‌گیری‌های جهانی و مقابله با فشارهای خارجی حیاتی است. امروز رسانه دیگر «ضمیمه» واقعیت نیست، بلکه خودبه‌خود واقعیت‌شکل می‌دهد و حتی آن را می‌سازد. سوال این است: آیا جمهوری اسلامی چنین رویکردی به رسانه دارد؟ اگر بله، تا چه اندازه توانسته از فرصت‌های آن بهره‌برد؟ در این یادداشت با در نظر گرفتن این سوال و با شناسایی چالش‌هایی که در ماجرای سوریه (به عنوان یک مصداق عینی) خود را نشان دادند، سعی شده راهکارهایی برای تحقق این مطلوب ارائه شود.

■ **به یک استراتژی رسانه‌ای مبتنی بر دیپلماسی عمومی نیاز داریم**

از ساعات اولیه صبح دیروز که خبر سقوط دولت سوریه مجاریه شد، بلافاصله روندهای بین‌المللی علیه ایران پررنگ شدند.

ادامه در صفحه ۲

است. در چنین شرایطی، ورود ایران به منازعات داخلی سوریه می‌توانست ضمن ایجاد شکاف در جهان اسلام، توجهات را از مساله فلسطین منحرف کرده و فرصتی برای بهره‌برداری دشمنان فراهم آورد.

ایران از آغاز بحران سوریه، در چارچوب حمایت از دولت قانونی این کشور و به خواسته رسمی دمشق، نقش کلیدی در جلوگیری از سقوط آن ایفا کرد. با این حال، در تحولات اخیر، فقدان انسجام داخلی در سوریه و اعتماد بیش از حد دولت بشار اسد به وعده‌های بازیگران خارجی، انگیزه و توانایی مقابله را تضعیف کرد. ایران در چنین شرایطی، با رعایت مصلحت منطقه‌ای و احترام به خواسته‌های مردم سوریه، از دخالت نظامی مستقیم خودداری کرد.

یکی از ادعاهای مطرح‌شده درباره شکست سوریه، عدم ورود قاطع ایران برای حمایت از دولت بشار اسد است اما واقعیت این است که ایران در چارچوب احترام به خواسته‌های مردم سوریه عمل کرده است. از سال ۲۰۱۲، ایران با حمایت نظامی و سیاسی خود که به خواسته دولت رسمی سوریه صورت گرفت، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ ثبات در این کشور ایفا کرد اما در تحولات اخیر، شرایط به‌گونه‌ای تغییر کرد که انگیزه و توانایی دولت و ارتش سوریه برای مقابله با معارضان به‌شدت کاهش یافت. در چنین شرایطی، دخالت مستقیم ایران بدون همکاری دولت سوریه بی‌نتیجه می‌ماند. وقتی دولت سوریه هشدارهای ایران را نادیده گرفت و به جای توجه به مسائل اجتماعی و مشروعیت داخلی، بر وعده‌های خارجی تکیه کرد، ایران دیگر نمی‌توانست به‌تنهایی مانع سقوط این حکومت شود. حمایت خارجی زمانی مؤثر است که اراده و انسجام داخلی نیز وجود داشته باشد.

تروریستی، نسبت به آنچه در سال ۲۰۱۲ انجام داد، تغییر رفتار نشان داد. گذشته از این موضوع، باید به جمع‌بندی مقامات ایرانی نسبت به عدم حمایت اجتماعی نظام سیاسی بشار اسد نیز اشاره کرد، اگر واقعاً دلیل عدم حمایت ایران از بشار، نارضایتی مضاعف اجتماعی نسبت به سیستم سیاسی اسد بوده است، یعنی ایران به این جمع‌بندی رسیده است که حمایت از محور مقاومت تنها در وضعیتی انجام می‌شود که حمایت مردمی پشتوانه شرکای ایران باشد و این موضوع را باید در ک هوشمندانه ایران نسبت به تحولات مقاومت قلمداد کرد.

ادامه در صفحه ۵

بخشید. ترکیه با حمایت از گروه‌های معارض، تلاش کرد نفوذ خود را در شمال سوریه افزایش دهد و به اهداف استراتژیک خود دست یابد. وجود پرچم ترکیه در سنگرهای تروریست‌ها و هماهنگی عملیات‌های تکفیری‌ها نشان‌دهنده نقش مستقیم آنکارا در سقوط حکومت سوریه است؛ حمایتی که البته پنهانی هم نبود و اوج نمایش علنی آن نیز توثیق دختر رئیس‌جمهور ترکیه بود که نوشت: «اسد سقوط کرد و اردوغان پیروز شد».

کاهش نقش روسیه به دلیل بحران اوکراین

یکی دیگر از عوامل کلیدی، عدم ورود قاطع جنگ اوکراین، ظرفیت نظامی و اقتصادی روسیه شدت تحت فشار قرار گرفت و این کشور اولویت‌های جدیدی را در سیاست خارجی خود تعیین کرد. روسیه که تا پیش از این یکی از اصلی‌ترین حامیان نظام بشار اسد بود، به دلیل تمرکز بر جنگ اوکراین و تحریم‌های بین‌المللی، نتوانست نقش فعال‌تری در تحولات سوریه ایفا کند. حتی پس از سقوط حکومت دمشق، مسکو اعلام کرد قصد مداخله در امور داخلی معارضان سوری را ندارد. این موضع‌گیری، نشان‌دهنده کاهش اهمیت استراتژیک سوریه در سیاست خارجی روسیه است.

ایران خلاف خواسته مردم عمل نمی‌کند

ایران در تحولات اخیر سوریه، تصمیم به عدم مداخله مستقیم گرفت؛ تصمیمی که مبتنی بر ارزیابی‌های استراتژیک و شرایط حساس منطقه‌ای اتخاذ شد. در یک سال گذشته، توجه جهانی به موضوع فلسطین و اسرائیل معطوف شده است و این مساله به نقطه‌ای محوری در تحولات منطقه‌ای بدل شده

اسرائیل و اوکراین، روسیه شدیداً درگیر اوکراین و ایران به واسطه نبرد نزدیک به ۱۳ ماهه حزب‌الله لبنان با اسرائیل، درگیر این موضوع بوده است. همان‌طور که طرف غربی به واسطه این جنگ دچار تحلیل توان شده، طبیعی است که ایران و روسیه نیز به واسطه بحران‌های خود، ملاحظات داشته باشند. ایران حتی اگر می‌خواست از سوریه حمایت کند (همان‌طور که در سال‌های استیلائی داعش این اتفاق افتاده بود)، در روزهای اخیر به سبب سرعت تحولات سوریه و ملاحظات و اولویت‌های ایران نسبت به مساله اسرائیل و همین‌طور مشاهده عدم عزم و توان دولت و ارتش سوریه برای ایستادگی و مقاومت در مقابل گروه‌های

سناریوهای پیش‌روی سوریه

اتفاق بیفتد و حمایت‌های بین‌المللی دولت‌های ایران و روسیه نتواند برای همیشه نظام سیاسی را در این کشور بیمه کند. شاید شتاب تغییرات اجتماعی در سوریه را باید در همین قالب بررسی کرد. در حقیقت مستقل از اینکه چه آینده‌ای در انتظار سوریه باشد، مساله این است که شرکای بین‌المللی و منطقه‌ای نظام سیاسی سوریه نیز آنچنان نسبت به «حمایت بین‌المللی همیشگی» از نظام اسد با دید مثبت نگاه نمی‌کردند. موضوع دیگری که درباره مواضع ۲ دولت روسیه و ایران خصوصاً در ماه‌های گذشته و بعد از توفان‌لاقصی وجود داشته است، تمرکز هر دو بازیگر بر بحران‌های محیطی و منطقه‌ای خود بوده است؛ یعنی